

بسمه تعالی

## تجزیه و تحلیل تاثیر رانت نفتی بر سرمایه اجتماعی

استاد راهنما

دکتر فرشاد مومنی

استاد مشاور

دکتر علی عرب مازار یزدی

پژوهشگر

مستوره فطرس

## چکیده

در این تحقیق، کوشش شد تا رابطه معناداری میان رانت نفتی، دموکراسی و سرمایه اجتماعی برقرار شود. این کار از طریق مطرح کردن نظریه راس و بررسی تجربی آن و بررسی الگوهای روابط دموکراسی و اعتماد اجتماعی دنبال شد. در این تحقیق دو فرضیه پیرامون رابطه منفی رانت نفتی و دموکراسی و رابطه مثبت دموکراسی و سرمایه اجتماعی مطرح شد. اکثر کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان، از عملکرد ضعیف اقتصادی برخوردارند و سطح حقوق سیاسی و آزادی های مدنی در آنها پایین است، بنابراین بررسی این نکته که ساخت رانتی و شیوه مصرف رانت ها تا چه حد می تواند بر عملکرد سیاسی و اجتماعی دولت و شیوه حکومتش اثر بگذارد، از موارد اهمیت این پژوهش است، از سوی دیگر این اثر تنها به حوزه سیاسی محدود نشده و مولفه های اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی نیز تحت تاثیر ساخت سیاسی دچار تغییر می شوند.

به این ترتیب نظر به اهمیت موضوع فوق در کشورهای دارای منابع طبیعی، این تحقیق با استفاده از یک روش تحلیل تاریخی در پنج کشور ایران، عربستان، کانادا، نیجریه و ونزوئلا و با استفاده از شاخص ها و داده های مرتبط با سه متغیر مطرح شده و همچنین چند متغیر واسطه در دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۷۰، فرضیه های فوق را بررسی نمود. فرضیه اول تحقیق یعنی رابطه منفی رانت نفتی و دموکراسی تنها در کانادا به علت کیفیت نهادی متفاوت با چهار کشور دیگر پذیرفته نشد. رد شدن این فرضیه در کانادا حکایت از آن دارد که منابع برای کانادا تبدیل به بلا نشده است. فرضیه دوم پژوهش نیز تنها در دوره اصلاحات در ایران پذیرفته نشد. علت نیز آن است که تغییر رتبه دموکراسی در مدتی کوتاه، آن هم نه به صورت همه جانبه، نمی توانست بر سرمایه اجتماعی که ذخایر آن طی سالها دچار تغییر می شود، تاثیر بگذارد، مضاف بر آنکه در انتهای این دوره، باز هم شاهد کاهش رتبه دموکراسی ایران هستیم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	چکیده
	فصل اول: کلیات تحقیق
۷	۱- بیان مسئله
۸	۲- ضرورت تحقیق
۹	۳- فرضیه ها و سوالات تحقیق
۹	سوالات تحقیق
۹	فرضیه های تحقیق
۹	۴- اهداف تحقیق
۱۰	۵- روش تحقیق
۱۱	۶- تعریف واژگان کلیدی
	فصل دوم: بررسی رابطه رانت نفتی و دموکراسی
۱۳	۱- مقدمه
۱۴	۲- تعریف رانت
۱۴	۲-۱- رانت جویی
۱۵	۲-۲- دولت رانتیر
	۳- دموکراسی
۱۵	۳-۱- تعریف دموکراسی
۱۶	۳-۲- انواع دموکراسی با محوریت منابع طبیعی

۱۹	۴ - رابطه نفت و دموکراسی .....
۲۰	۴-۱- اثر رانتهی .....
۲۰	۴-۱-۱- اثر مالیات .....
۲۵	۴-۱-۲- اثر مخارج .....
۲۶	۴-۱-۳- اثر تشکیل گروه های مستقل اجتماعی .....
۲۹	۴-۲- اثر سرکوب گری .....
۳۵	۴-۳- اثر نوسازی .....
۳۹	۵- جمع بندی .....

#### فصل سوم: بررسی رابطه دموکراسی و سرمایه اجتماعی

۴۲	۱-مقدمه .....
۴۲	۲-سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی.....
۴۶	۳- دموکراسی و سرمایه اجتماعی .....
۵۱	۳-۱- اعتماد سیاسی و اعتماد اجتماعی ..
۵۴	۳-۲- تقدم دموکراسی بر سرمایه اجتماعی .....
۵۶	۴- تاثیر دموکراسی سرکوب شده بر اعتماد .....
۵۶	۴-۱- تخریب دولت .....
۵۷	۴-۱-۱- دولت و فساد .....
۶۰	۴-۱-۲- فساد و اعتماد .....
۶۳	۴-۲- تخریب نهادها .....
۶۶	۴-۳- گروه های مستقل اجتماعی .....
۶۹	۵- جمع بندی .....

#### فصل چهارم: بررسی شواهد تجربی در کشورهای منتخب

۷۲	۱-مقدمه .....
۷۲	۲- الگوی نظری .....

۷۴.....	۳- ایران .....
۷۵.....	۳-۱- دهه قبل از انقلاب (۱۹۷۰-۱۹۷۹) .....
۷۷.....	۳-۲- دهه اول پس از انقلاب (۱۹۷۹-۱۹۸۹) .....
۸۰.....	۳-۳- دوران سازندگی (۱۹۸۹-۱۹۹۷) .....
۸۳.....	۳-۴- دوران اصلاحات (۱۹۹۷-۲۰۰۵) .....
۸۷.....	۳-۵- جمع بندی .....
۸۸.....	۴- عربستان .....
۹۲.....	۵- کانادا .....
۹۴.....	۶- نیجریه .....
۹۹.....	۷- ونزوئلا .....
۱۰۲.....	۸- جمع بندی .....
۱۰۶.....	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات .....
۱۱۱.....	منابع کل .....
۱۲۱.....	پیوست .....

# فصل اول

## کلیات تحقیق

---

## ۱- بیان مسئله

کشورهای در حال توسعه از جنبه های مختلف با نارسایی ها و ناهنجاری هایی روبه رو هستند. فهم این که متغیرهای اصلی و کلیدی این ناهنجاری ها کدام است، یکی از چالش های مهم فکری و سیاست گذاری در این کشورها است. زمانی تفکر غالب رها کردن متغیرهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تمرکز بر متغیرهای اقتصادی و از میان متغیرهای اقتصادی نیز تمرکز بر مسئله انباشت سرمایه بود و تصور می شد که همه مشکلات اقتصادی و غیر اقتصادی در قالب انباشت سرمایه حل و فصل می شود. اما تجربه پنج دهه اخیر حتی یک مورد که این مسئله را تایید کند، نشان نمی دهد که نمونه روشن آن کشورهای نفتی هستند. این کشورها در زمان های مختلف با شوک های نفتی و جهش های بزرگ در منابع قابل سرمایه گذاری روبه رو شدند اما در عملکرد اقتصادی بلندمدت آنها تغییر محسوسی رخ نداد.

در واقع توسعه پدیده ای چند بعدی است و وجوه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با یکدیگر تعامل پیوسته و مستمر دارند.

در این تحقیق بخشی از معضلات توسعه نیافتگی این کشورها از طریق توجه بیشتر به جنبه های سیاسی و اجتماعی در کنار وجوه اقتصادی ردگیری می شود.

اگر نگرش های اجتماعی و سیاسی با مسئله توسعه نیافتگی مرتبط باشد، پس دیگر با نگرش اقتصادی صرف نمی توان به بررسی مسئله توسعه یافتگی و یا توسعه نیافتگی پرداخت و باید به صورت فرا رشته ای به موضوع نگاه کرد.

در برخی تئوری های جدید توسعه، تجلی گاه تعامل حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نهادها هستند و البته در مورد کشورهای نفتی این مسئله نیز مطرح بوده است که از منابع خویش به نحو احسن استفاده ننموده اند و تئوری های بالای منابع در همین راستا مطرح گشته اند. اما در این میان، کشورهایی نیز علیرغم برخورداری از منابع فراوان، با بلایی مواجه نگشته اند و از منابع خویش در پرتو نهادها استفاده مناسب کرده اند. در واقع این کشورها در پرتو نهادها، رانت منابع را به خوبی مدیریت کرده اند و در جهت پیشبرد مولفه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آن را به کار برده اند که در این پژوهش نماد هر یک از مولفه های ذکر شده، به ترتیب عبارتند از: دموکراسی، سرمایه اجتماعی و رانت. بنابراین در چارچوب حلقه ارتباطی رانت منابع،

دموکراسی، سرمایه اجتماعی می توان به این پرسش پاسخ داد: که آیا منابع طبیعی فی نفسه مانع رشد و توسعه اقتصادی است و بر انباشت سرمایه اجتماعی تاثیر منفی می گذارد؟ و یا آنکه شیوه مدیریت این منابع در چارچوب نهادها و شیوه حکومت است که منابع را به بلا تبدیل می سازد؟

پس از این مقدمه کوتاه به بررسی این موضوع می پردازیم که چگونه می توان رانت منابع و سرمایه اجتماعی را از طریق دموکراسی به یکدیگر مرتبط کرد. براساس تحقیق راس (۲۰۰۱) رانت منابع از طریق سه مکانیسم بر دموکراسی اثر می گذارد.

سه ساز و کار اثر گذاری عبارتند از: ۱- اثر رانتي ۲ - اثر سرکوبي ۳- اثر نوسازی اثر رانتي خود دارای سه مولفه است: ۱- اثر مالیات ۲- اثر مخارج ۳- اثر تشکیل گروه های اجتماعی. این اثرات به طور مفصل در فصل دوم مورد بررسی قرار می گیرند. اما حاصل آن است که رانت منابع طبیعی از طریق چنین ساز و کارهایی باعث تخریب دموکراسی در کشورهای صاحب منابع می شود. سپس این دموکراسی سرکوب شده از طریق ساز و کارها و تئوری هایی که در فصل سوم به آنها پرداخته خواهد شد، باعث ریزش و تخریب سرمایه اجتماعی می شوند. این ساز و کارها عبارتند از: تخریب دولت، تخریب نهادها و گروه های حامی - پیرو.

## ۲- ضرورت تحقیق

یکی از مسائل فکری اصلی مورد توجه سیاستمداران و اندیشمندان نحوه صحیح کاربست منابع است. آموزه بلای منابع توضیح می دهد که دسترسی غیر متعارف به امکانات مالی، به جای آن که تسهیل کننده توسعه باشد، مانع توسعه می شود. براساس ایده بلای منابع، وفور منابع به جای آنکه راهگشایی برای توسعه باشد، فرآیند توسعه نیافتگی را تشدید می کند.

براساس تجربه بلوک شرق سابق، با آنکه آن همه اهتمام به انباشت سرمایه انسانی داشتند، به خاطر غفلت از سرمایه اجتماعی، همان سرمایه گذاری ها باعث گسست در فرآیند پیشرفت آن کشورها شد. بنابراین چون مسئله توسعه را منهای وجه اجتماعی آن دیدند، نتوانستند در این زمینه راهگشایی داشته باشند.



یکی از مسائلی که از آغاز دهه ۱۹۹۰ به آن پرداخته شده است، مسئله توجه به سرمایه اجتماعی است. به گونه ای که به عنوان یکی از عوامل توسعه وارد معادلات توسعه گشته است و امروزه بسیاری از کارشناسان توسعه اذعان دارند که بدون سرمایه اجتماعی، سرمایه فیزیکی و انسانی ابتر می ماند. (دهقان، ۱۳۸۸)

به این علت که رانت نفتی کارکرد دو وجهی دارد، یعنی هم می تواند تسهیل گر توسعه باشد و هم مانع توسعه، بررسی الگوی تعامل آن با حوزه سیاست و اقتصاد، برای فهم بهتر موانع و عوامل توسعه و توسعه نیافتگی می تواند کمک نماید.

### ۳- فرضیه ها و سوالات تحقیق:

#### ۳-۱- سوالات تحقیق:

- سوال اساسی: چه رابطه ای بین رانت نفت، دموکراسی و سرمایه اجتماعی وجود دارد؟
- سوالات فرعی: می توان سوال اساسی را به دو سوال فرعی تجزیه کرد:
- ۱- چه رابطه ای میان رانت نفتی و دموکراسی وجود دارد؟
  - ۲- چه رابطه ای میان دموکراسی و سرمایه اجتماعی در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان وجود دارد؟

#### فرضیه ها

- ۱- افزایش رانت نفتی، منجر به تنزل سطح دموکراسی می گردد.
- ۲- کاهش سطح دموکراسی، منجر به کاهش میزان سرمایه اجتماعی می شود.

#### ۴- اهداف تحقیق:

تبیین تاثیر نظری و تجربی رانت حاصل از نفت بر سرمایه اجتماعی در کشورهای نفتی از منظر دموکراسی .

هدف فرعی: بررسی اثر درآمد منابع افزونه ای بر فرآیند ایجاد دموکراسی در کشورهای نفتی.

با توجه به بنیان نظری و شواهد تجربی ارائه شده میان نحوه کاربست منابع طبیعی و نحوه شکل گیری سرمایه اجتماعی رابطه معناداری مشاهده می شود، که سطح توسعه ملی را تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین با مطالعه وضعیت سرمایه اجتماعی به نحو قابل قبولی می توان چشم انداز توسعه را مورد بررسی قرار داد.

## ۵- روش تحقیق

در این تحقیق با سه متغیر رانت نفتی، سرمایه اجتماعی و دموکراسی روبه رو هستیم. رانت منابع طبیعی از طریق سه ساز و کار گفته شده بر دموکراسی تاثیر می گذارد. مجموع این سه اثر از طریق رانت منابع طبیعی مانع ایجاد دموکراسی یا یک حکومت خوب می گردد. از سوی دیگر با استفاده از تئوری نیوتن و اولسنر رابطه دموکراسی و سرمایه اجتماعی بررسی می گردد که این تئوری ها در فصل سوم توضیح داده خواهند شد.

در مجموع می توان گفت سه عامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با یکدیگر در تعامل اند. اما در این تحقیق مشخصاً از عامل اقتصادی یعنی رانت نفتی آغاز می کنیم که بر دموکراسی یعنی عامل سیاسی اثر دارد و تعامل این دو بر سرمایه اجتماعی یعنی همان عامل اجتماعی تاثیر گذار می باشد. چند و چون این تعامل در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد.

به این ترتیب براساس این حلقه ارتباطی و چارچوب نظری که ارائه شد، برای شاخص سازی نیز از رانت نفتی آغاز می کنیم.

شاخص رانت نفتی: سهم صادرات مواد اولیه در تولید ناخالص ملی، شوک های نفتی و تغییرات سهم درآمد دولت از درآمد نفت.

شاخص دموکراسی: این شاخص از ۲۰۰۷ polity IV به دست آمده که رتبه دموکراسی کشورها را در اختیار می گذارد. علاوه بر آن می توان از دو شاخص آزادی های مدنی و حقوق سیاسی فریدم هاوس<sup>۱</sup> نیز استفاده کرد.

شاخص سرمایه اجتماعی: شاخص اعتماد مردم به یکدیگر که از بررسی ارزش های جهانی<sup>۲</sup> به دست آمده است.

کشورهای منتخب براساس تقسیم بندی بانک جهانی از کشورها، دسته بندی می گردند، به این ترتیب که به ۵ گروه کشورهای با درآمد پایین، کشورهای با درآمد پایین تر از متوسط، کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط، کشورهای با درآمد بالا (OECD) و کشورهای با درآمد بالا (non OECD) تقسیم می شوند. در این تحقیق، روند هر کشور طی سال های مورد بررسی براساس شاخص های تعریف شده، برای آزمون فرضیه ها بررسی

---

<sup>۱</sup> freedomhouse

<sup>۲</sup> world values survey

خواهد شد. لازم به ذکر است که انتخاب کشورهای مورد نظر براساس دارا بودن منابع طبیعی و در دسترس بودن شاخص های مورد نظر صورت می گیرد.

روش تحقیق تحلیلی- تاریخی است و تحلیل داده ها براساس الگوی نظری صورت می گیرد.

## ۶- تعریف واژگان کلیدی:

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی را می توان شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط و هنجارهایی دانست که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می دهند. (زاهدی، ۱۳۸۷: ص ۸۱)

دموکراسی: دموکراسی مشتق شده از دو واژه یونانی دموس و کراتوس به معنای حاکمیت مردم است. به عبارت دیگر به معنای "برابری فرصت ها برای یک جامعه به منظور برخورداری از آزادی ها و ارزش های اجتماعی و در معنای محدودتر شرکت آزادانه افراد در گرفتن تصمیم هایی که در زندگی فرد و جمع موثر است." (عاشوری، ۱۳۵۱، ص ۸۷)

رانت: از رویکرد تئوری انتخاب عمومی رانت به درآمد حاصل از هر نوع امتیاز یا حقوق اقتصادی ویژه ای گفته می شود که افراد و گروه های همسود صاحب نفوذ به صورت قانونی از طریق تحت تاثیر قرار دادن سیاستمداران، قانون گذاران یا مجریان بدست می آورند. (رنانی، خضری، ۱۳۸۳: ص ۱۵)

نهادهای تولیدی و غیر تولیدی: منظور از نهادهای تولیدی و غیر تولیدی همان نهادهای خوب و بد است که مهلوم از این تعابیر جهت توصیف استفاده نموده است. نهادهای خوب و بد نیز با شاخص کیفیت نهادی مشخص می گردند که این شاخص ترکیبی غیر وزنی از پنج شاخص می باشد: ۱- شاخص تساوی افراد در برابر قانون ۲- شاخص کیفیت دیوان سالارای ۳- شاخص فساد در دستگاه های دولتی ۴- شاخص مخاطره سلب مالکیت ۵- شاخص قراردادهای ملغا شده توسط دولت. این شاخص از صفر تا یک می باشد. در صورتی که این پنج شاخص در وضعیت خوبی باشند، شاخص کیفیت نهادی به یک نزدیکتر است و نهادهای تولیدی می باشند و چنانچه شاخص های ذکر شده، در وضعیت خوبی نباشند، شاخص کیفیت نهادی به صفر نزدیکتر است و نهادهای غیر تولیدی هستند. (مهلوم و دیگران، ۲۰۰۶: ۱۳)

## فصل دوم

---

بررسی رابطه رانت نفتی و

دموکراسی

---

## ۱- مقدمه

در ادبیات اقتصادی، منابع طبیعی و رانت حاصل از آن همواره مورد توجه بوده است. در بحث درباره کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان می توان این کشورها را به دو گروه عمده تقسیم کرد. کشورهایی که عملکرد موثقی داشته اند که حاصل نهادهای کارآمد و مدیریت صحیح منابع است که کشورهایی مانند نروژ، کانادا، آمریکا، استرالیا از این دست هستند که دارای نوعی ساختار و حکومت دموکراتیک می باشند. دسته دوم کشورهایی هستند که عملکرد مطلوبی نداشته و آثار آن را در تحولات و روند توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود مشاهده نموده اند. این کشورها اغلب دارای نهادهای ضعیف هستند که پاسخگو و شفاف نبوده و کارایی لازم برای حرکت به سمت توسعه را نداشته اند. نظر به اهمیت نحوه بهره برداری از منابع طبیعی در کشورهای صاحب این منابع، پژوهش حاضر این عامل مهم را در ارتباط با دموکراسی و سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار می دهد. در واقع هدف نهایی یافتن ارتباط میان رانت منابع و سرمایه اجتماعی است که به علت اهمیت ساختار و نحوه حکومت در شیوه بهره برداری از منابع و تقویت و گسترش شبکه های اجتماعی و افزایش اعتماد اجتماعی، از دموکراسی به عنوان متغیر واسطه ای برای بررسی رابطه رانت منابع و سرمایه اجتماعی استفاده می شود.

از این رو و با توجه به فرضیه نخست پژوهش مبنی بر اینکه اقتصاد رانتهی و وابستگی به منابع طبیعی منجر به تنزل رتبه دموکراسی کشورها می گردد، در این فصل به بررسی رابطه رانت نفتی و دموکراسی پرداخته می شود. و در انتها به این پرسش که چه رابطه ای میان رانت نفتی و دموکراسی یا نوع حکومت وجود دارد؟ پاسخ گفته می شود. این فصل به توضیح این رابطه و بیان مکانیسم های تاثیرگذاری رانت منابع بر دموکراسی می پردازد. در ادامه، پس از تعریف مفاهیم اولیه مورد نیاز مانند رانت، رانت جوئی، دولت رانتیر و دموکراسی، یک تقسیم بندی از انواع دموکراسی و اتوکراسی در کشورهای دارای منابع ارائه می شود و سپس رابطه رانت منابع به خصوص نفت و دموکراسی در قالب سه اثر رانتهی، سرکوب گری و نوسازی مورد بحث قرار می گیرد.

## ۲-تعریف رانت

"آدام اسمیت و دیوید ریکاردو اولین اقتصاددانانی هستند که در ارتباط با رانت بحث کرده اند. ریکاردو، معادن و زمین را منبع رانت برای مالکان آن می دانست. هر دو اندیشمند اقتصادی، رانت را درآمد و عواید حاصل از طبیعت و زمین می دانستند نه درآمد ناشی از کار و فعالیت اقتصادی که بدون تلاش حاصل می شود." (سردارآبادی، ۱۳۸۳: ۶۹) اما اکنون اصطلاح رانت در معنای وسیع تری برای توصیف درآمدهایی که بالاتر از بازدهی معمولی است به کار می رود. اغلب مبنای بازدهی معمولی، درآمدی فرض می شود که یک فرد یا بنگاه در بازار رقابتی به دست می آورد. اما چون بازار رقابتی خالص معمولاً وجود ندارد، شایسته است رانت را به مثابه درآمدی تعریف کنیم که بالاتر از حداقل درآمدی می باشد که یک فرد یا بنگاه با توجه به فرصت های بدیل به دست می آورد. (خضری، ۱۳۸۶: ۲۱).

رانت، قانونی و غیر قانونی، نوعی مازاد غیر تولیدی است که به دنبال کمیابی های طبیعی یا مصنوعی (ساخته شده بوسیله دولت) به وجود می آید. (خضری، ۱۳۸۶: ۹) برای مثال، ممکن است یک ستاره سینما حقوقی چند برابر بازیگری که شهرت کمتری دارد، دریافت کند. اضافه حقوق همان رانت اقتصادی است که به بازیگر پرداخت شده. به طور مشابه، سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اوپک، مرکزی است که عرضه نفت را به طور مصنوعی در مقایسه با پتانسیل تولید جهان پایین نگه می دارد که باعث افزایش قیمت نفت می شود. هزینه اضافی مصرف کنندگان رانت اقتصادی است. رانت جویبی اقتصادی توسط خلق محدودیت های مصنوعی، یک تجارت موفق است و در اقتصادهای نفتی یک پدیده رایج است. (ایفرت و دیگران، ۲۰۰۳: ۲) البته در کشورهای خلیج فارس به علت هزینه اندک تولید، می تواند بخش عمده ای از رانت های حاصله رانت طبیعی تلقی شود.

### ۱-۲-رانت جویبی

چون رانت در یک مفهوم گسترده نشانگر درآمدهایی است که بالاتر از درآمدی می باشد که در غیر این صورت تحصیل می شد؛ از همین رو انگیزه هایی را برای حفظ و ایجادشان به وجود می آورد. اقدامات مترتب بر چنین انگیزشی می تواند دامنه ای از فعالیت هایی چون رشوه دهی یا حتی اعمال زور در یک سر طیف تا فعالیت های سیاسی کاملاً قانونی همچون لابیگری یا تبلیغ کردن در سر دیگر طیف را در بر گیرد. مجموعه این اقدامات تحت عنوان رانت جویبی شناخته شده است. رانت جویبی در یک مفهوم گسترده می تواند به مثابه

فعالیت هایی تفسیر شود که در صدد ایجاد، حفظ یا تغییر حقوق اقتصادی و نهادهایی هستند که مبنای رانت های ویژه می باشند. (خضری، ۱۳۸۶: ۲۲)

## ۲-۲- دولت رانتیر

مهدوی مفهوم دولت رانتی را دولتی می داند که بودجه آن وابسته به وام دادن پول به کشورهای خارجی و افراد است. او با تطابق این مفهوم بر دولت نفتی، بر این باور است که دولتی که با صدور نفت درآمدهای بودجه خود را تامین می کند، مشمول تعریف دولت رانتی است. (علوی، ۱۳۸۸: ۲۰)

در واقع، دولت رانتیر به هر دولتی اطلاق می شود که بخش عمده ای از درآمدهای خود را از منابع خارجی و به صورت رانت دریافت می کند، یعنی به دلیل این که شرایط خاصی به دولت این امکان را می دهد که مستقیماً از فروش کالاها و خدماتی که قیمت های بسیار بالاتری از هزینه های تولیدشان دارند، کسب درآمد نماید. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۲)

یک دولت رانتی به علت مزیت هایی که در اختیار عده ای معدود از حامیان خود می گذارد، فضای بی اعتمادی را بر جامعه حاکم و چشم انداز توسعه را تضعیف خواهد کرد. در واقع دولت رانتی با در دست داشتن منابع جامعه، مسیر مصرف آن را مطابق منافع خود و گروه های ذینفع مشخص کرده و جامعه را با زیان های غیر قابل جبران روبه رو می کند. البته این ویژگی مختص دولت های رانتی در جوامعی است که از نهادهای ضعیف و ناکارآمدی برخوردارند. (ملهوم و دیگران (۲۰۰۵) و (۲۰۰۶) درباره اهمیت نوع نهادها در عملکرد اقتصادی کشورهای دارای منابع فراوان بحث کرده اند). در واقع دولت رانتی، با تمرکز و انحصار درآمدهایی که از طریق منابع خارجی کسب می کند، سبب می شود تنها گروه کوچکی از حامیان در اقتصاد و سیاست فعال باشند.

## ۳- دموکراسی

### ۳-۱- تعریف دموکراسی

هانتینگتون دموکراسی را اینگونه تعریف می کند: دموکراسی به عنوان شکلی از حکومت، برپایه مقاصدی که حکومت در پیش می گیرد و برحسب منابع قدرت حکومت و شیوه و روال کاری که در تشکیل حکومت به کار

گرفته می شود، تعریف می شود. (شهرام نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۹) دموکراسی یک اصطلاح مشترک برای دامنه گسترده ای از رژیم ها می باشد. شامل دموکراسی رادیکال و نوع معتدل آن، نمایندگی و دموکراسی مستقیم، دولتهای پارلمانی در برابر حکومت های جمهوری، دموکراسی اکثریت و اتفاق آرا، و دموکراسی های ثابت و مستقر شده در برابر دموکراسی نیمه کامل، که نمونه های اندکی از انواع دموکراسی است. (اشمیت، ۲۰۰۲: ۱)

## ۲-۳- انواع حکومت با محوریت منابع طبیعی

در بحث درباره انواع دموکراسی، دسته بندی های مختلفی براساس معیارهای متفاوت ارائه می شود. مانند: دموکراسی مستقیم، نمایندگی، دموکراسی لیبرال، دموکراسی اجتماعی، دموکراسی صنعتی و دموکراسی مسیحی و یا تقسیم بندی که در پاراگراف پیشین ارائه شد. اما با توجه به محور بودن منابع طبیعی، در این پایان نامه، انواع دموکراسی نیز با عنایت به وفور منابع مورد بحث قرار می گیرد. اگرچه می توان این تقسیم بندی را به کشورهای دیگر نیز که دارای منابع نیستند، تعمیم داد، اما در میان انواع تقسیم بندی دموکراسی، تقسیم بندی ایفرت و ویژگی های دولت های دارای منابع طبیعی فراوان را چه آنهایی که دارای دموکراسی و چه آنهایی که دارای حکومتی اقتدارگرا می باشند، در بر می گیرد. ارائه این تقسیم بندی نشان می دهد که منابع طبیعی چه تاثیر وسیعی بر حکومت ها و نوع آنها می تواند داشته باشد به طوریکه در این طیف از دموکراسی بالغ به سمت اتوکراسی یغماگر حرکت می نماییم.

این تقسیم بندی، تفاوت های کیفی در ثبات ساختار سیاسی و نظام حزبی، درجه وفاق اجتماعی، روش های مشروعیت بخشی به حاکمیت و ابزارهای حفاظت و حمایت از دولت، و نقش نهادهای دولتی در حمایت از بازارها و توزیع یا استفاده عادلانه از درآمدها را منعکس می کند. این ویژگی های نهادی و سیاسی تمایزاتی را میان کشورها از لحاظ، طول افق های سیاسی، سطوح شفافیت، کیفیت و ثبات سیاسی، قدرت سیاسی بخش های تولیدی - تجاری به غیر از نفت، و قدرت گروه های ذینفعی که مستقیماً در میزان مخارج دولت ذینفع اند، ارائه می دهد. (ایفرت و دیگران، ۲۰۰۳: ۳)

ایفرت، کشورهای صادرکننده نفت را به پنج گروه اصلی تقسیم می کند: دموکراسی های بالغ، دموکراسی های حزبی، اتوکراسی پدرسالارانه، اتوکراسی های یغماگر و اتوکراسی های اصلاح طلب. که به توضیح مختصر هر یک می پردازیم.



**دموکراسی بالغ:** کشورهای که تحت عنوان دموکراسی بالغ دسته بندی می شوند با تعداد محدودی حزب در عرصه سیاست، نهادهای انتخابی، و سیاست هایی که توسط توافق اجتماعی عظیمی تایید شده باشند؛ توصیف می شوند. ثبات سیاسی و پاسخگویی نهادی تصمیم سازان را تشویق می کند که برای بلندمدت بیندیشند، و اینگونه است که اعتبار و محبوبیت گروه های حزبی و عملکرد اقتصادی در رقابت برای قدرت سیاسی در مرکزیت قرار می گیرد. این رژیم های سیاسی عموماً بر اساس اطلاعات شفاف بنا شده اند، حقوق مالکیت روشن است، و تغییر در دولت به ندرت منجر به چیدمان مجدد و فراگیر ترجیحات سیاسی می شود. سیستم های قضایی تخصصی، ثبات منطقی قوانین را تضمین می کند. رقابت های سیاسی درباره عملکرد اقتصادی دلالت دارد که سرمایه گذاری دولت و تامین کالاهای عمومی، مکمل بهره وری بخش خصوصی خواهد بود. این خصوصیات به شهروندان فرصت خنثی کردن نفوذ گروه های ذینفع در مخارج دولت را می دهد. نروژ، آلاسکا و استان آلبرتا(نفت خیز) کانادا جز نمونه های اولیه این نوع دموکراسی هستند.

**دموکراسی های حزبی:** کشورهای این دسته ویژگی هایی دارند که آنها را از دموکراسی بالغ متمایز می کند. از جمله این که توزیع درآمد در آنها نابرابر است. احزاب سیاسی اغلب ضعیف و در گرد رهبران کاریزماتیک تشکیل می شوند. نهادهای انتخاب شده شکننده هستند و مداخله نظامی در سیاست غیر معمول نیست. دولت ها اغلب بی ثبات اند و در صورت ثبات نیز سلطه تک حزبی، زیر بنای نهادهای اسماً دموکراتیک است. در هر صورت، حمایت سیاسی مورد نیاز دولت با حامی پروری تامین می شود. سیاست هایی با افق کوتاه مدت برای رقابت و قدرت و تخصیص منابع دولت منجر به ایجاد یک رژیم سیاسی بی ثبات و مکانیسم های غیر شفاف برای توزیع عایدات نفت می شود. این وضعیت به توسعه شبکه های حامی پرور و رفتار رانت جویانه در دولت می انجامد. در این نظام ها «خاصه بخشی» منابع متداول است زیرا گروه های سیاسی قدرتمند مانند بوروکرات ها و نخبگان سیاسی، اتحادیه های بخش عمومی و ارتش منافع مستقیمی در مخارج دولت دارند. اکوادور و ونزوئلا و کلمبیا نمونه هایی از این دسته هستند.

**اتوکراسی های پدر سالارانه:** اتوکراسی های پدر سالارانه شامل عربستان سعودی، کویت، و برخی دولت های کوچک تر خلیج فارس می شوند. در این گونه حکومت، دولت ها در ابتدا مشروعیت شان را بر قدرت سنتی و مذهبی قرار می دهند؛ اما فرآیند مدرن سازی براساس نفت، با بالا بردن استانداردهای زندگی، وجهه

مشروع دیگری برای آن‌ها فراهم کرده است. چنین دولت‌هایی برای دوره‌های طولانی می‌توانند برقرار بمانند و در صورتی که با موافقت جامعه همراه باشند، می‌توانند افق زمانی بلندتری نسبت به دولت‌های دموکراتیک داشته باشند. این افق زمانی به معنای سیاست‌های مخارج دوراندیشانه‌تر و پس‌انداز رانت‌ها در دوران فراوانی است. به هر حال، نقش در حال رشد مخارج دولت در باره حفظ حمایت سیاسی باعث افزایش تعهدات دولت می‌شود- که شامل یارانه‌ها؛ سطح بالای اشتغال دولتی در ظرفیت کم؛ دیوان‌سالاری با کارمندان بیش از حد لازم؛ و بنگاه‌های اقتصادی ناکارا و حفاظت شده- که برگشت آن‌ها مشکل است و سرمایه‌گذاری را محبوس می‌کند. چنین تعهداتی نهایتاً می‌توانند این دولت‌ها را با بحران‌های مالی روبه‌رو کنند.

**اتوکراسی‌های یغماگر:** این اتوکراسی‌ها نسبت به نوع پدرسالارانه و اصلاح طلب از ثبات کمتری برخوردارند. قدرت در اتوکراسی‌های یغماگر بر پایه حمایت عمومی وسیع یا عملکرد اقتصادی نیست؛ بلکه بر پایه قدرت ارتش است و حمایت نخبگان اندک اساس قدرت است. این رژیم‌ها تمایل دارند مانند راهزن‌های گردنه گیر عمل کنند. قدرت دولت با محدودیت‌های اندکی روبه‌رو است؛ و بهره‌برداری از منابع عمومی و خصوصی در جهت منافع نخبگان از طریق تکنیک‌های نهادینه شده تعبیه شده است. آنها غیر شفاف و فاسد هستند و ثروت نفت منافع اندکی را عموماً در اختیار جمعیت عامه قرار می‌دهد. نیجریه تحت حکومت حکمرانان ارتش یک مثال از این نمونه است.

**اتوکراسی‌های اصلاح طلب:** اتوکراسی‌های اصلاح طلب فاقد یک زیربنای قدرت وسیع دموکراتیک هستند، اما در عوض از طریق موفقیت در برخورد با فقر و از طریق سرمایه‌گذاری مولد و رشد اقتصادی مشروعیت ایجاد می‌کنند. این هدف افق طولانی مدت تصمیم‌سازی را تضمین می‌کند. همین‌طور اتوکراسی‌های اصلاح طلب تمایل به ایجاد یک حکومت مستقل و خودمختار شایسته دارد. فقدان شفافیت و سیستم سیاسی بسته چسبیده به قاعده قدرت فشارهای رانت‌جویی را ایجاد می‌کند، اما این فشارهای رانت‌جویی محدود شده تا پیشرفت‌های واقعی در زندگی فقرا ایجاد شود، چنین دولت‌هایی اغلب درآمد‌های نفت را به صورت کارا در راستای متنوع‌سازی و رشد اقتصادی به کار می‌برند. نمونه این دسته از کشورها اندونزی در زمان سوهارتو است. (ایفرت و دیگران، ۲۰۰۳: ۸-۴)

داوری درباره ایران و جایگاهش در این طبقه بندی، بسیار دشوار است. برای مثال، ایران می‌تواند تا حدودی به علت سیاست‌های رفاهی در دسته اتوکراسی‌های پدرسالارانه مانند کشورهای عربی خلیج فارس قرار گیرد.

اغلب سیاست های رفاهی ایران در بخش سلامت و آموزش نمود یافته است. البته گستردگی سیاست های رفاهی ایران بسیار کمتر از دول عربی است. اما ایران دارای سیستم یارانه ای وسیع، دیوان سالاری گسترده که دارای نیروی کار بیش از اندازه است که کارایی آن را کاهش می دهد و شرکت ها و بنگاه های دولتی ناکارآمد نیز هست. این شیوه حکومت در زمان محمد رضا شاه به ویژه پس از شوک اول نفتی مشهود است. اگرچه با پیروزی انقلاب دولت ها با اجرای برنامه های مختلف از جمله تعدیل ساختاری، سعی کرده اند که از اتوکراسی پدرسالارانه فاصله گرفته و با حذف یارانه ها، فعال کردن بخش خصوصی، واگذاری شرکت های دولتی، کاهش کارمندان بوروکراسی و ... تلاش هایی را در این جهت انجام داده اند. اما این برنامه ها نه تنها فایده ای نداشته است، بلکه همراه با زیان هایی برای شهروندان بوده است. از سوی دیگر، با گذشت انقلاب و تقسیم بندی گروه ها و تشکیل جناح چپ و راست، گویی ایران به گونه ای سیستم دموکراسی حزبی را به اجرا گذاشته است. به طوریکه، در هر دوره یک حزب با سیاست ها و علایق خاص خود حاکم بوده، احزاب سیاسی شکننده و در گرد رهبر ان کاریزماتیک تشکیل می شوند و دخالت نظامیان در سیاست و اقتصاد مشهود است. از طرف دیگر، بر حسب برخی شواهد دیگر می توان ادعا کرد، در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای رانتی، نوعی الگوی حامی-پیرو شکل گرفته است و برای بهره گیری از درآمد های نفتی، حلقه ای از حامیان شکل می گیرد. علاوه بر آن علیرغم افزایش درآمدهای نفتی، و برخلاف اهداف برنامه های تعدیل در دوران اجرای آنها، توزیع درآمد در دوره هایی وضعیت مطلوبی نداشته است که از ویژگی های دموکراسی های حزبی، یکی همین مساله نابرابر بودن توزیع درآمدهاست که علاوه بر سیاست های نادرست، یکی از دلایل آن می تواند همان نظام حامی-پیرو باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴- رابطه نفت و دموکراسی

دانشمندان علوم سیاسی معتقدند که نفت و رانت حاصل از آن دارای برخی ویژگی های عجیب است. مطالعات زیادی نشان می دهند وقتی که درآمدها افزایش می یابند، دولت ها تمایل دارند که دموکرات تر شوند. اما برخی پژوهشگران اشاره می کنند که استثنایی برای این قانون وجود دارد: اگر درآمد افزایش یافته ناشی از ثروت نفتی یک کشور باشد، ممکن است اثر دموکراسی به تدریج ناپدید شود. (راس، ۲۰۰۱: ۱)

<sup>۱</sup> جرون وسلویک (۲۰۰۵) و (۲۰۰۷) رقابت مخرب ناشی از چند حزبی بودن را در اقتصاد رانتی ایران بررسی کرده اند.

نفت از طریق سه ساز و کار متفاوت بر دموکراسی اثر می گذارد: ۱- اثر رانتی ۲ - اثر سرکوبی ۳- اثر

نوسازی

## ۱-۴- اثر رانتی

اثر رانتی خود دارای سه مولفه است: ۱- اثر مالیات ۲- اثر مخارج ۳- اثر تشکیل گروه های اجتماعی

### ۱-۴-۱- اثر مالیات

تاریخ طولانی پشت این تفکر است که کم و بیش ارتباطی قوی و پایدار میان روشی که دولت ها تامین مالی می شوند و شیوه ای که حکومت می کنند وجود دارد. به ویژه، این پایه ای است برای مسیری که آمریکایی های انگلیسی تبار از ظهور دولت نمایندگی<sup>۱</sup> و دموکراسی در بریتانیا و آمریکا تفسیر می کنند. (مور، ۲۰۰۷: ۱۰)

بنابر این سوال مهم است که دولت ها پول شان را از کجا فراهم می کنند؟ به غارت بردن اموال سایر جوامع، مدت طولانی است که دیگر یک منبع روتین و مهم نیست. هشت منبع دیگر در طول تاریخ مهم بوده اند. که مور آنها را برشمرده است. مهمترین این منابع عبارتند از: الف) مالیات گذاری وسیع ب) مزاددهای حاصله از صادرات منابع طبیعی و ج) کمک های توسعه ای. اغلب دولت ها به شدت به مالیات گذاری وسیع وابسته اند، برخی این را با مزاددهای حاصله از منابع طبیعی یا کمک توسعه ای ترکیب می کنند و اندکی بر اساس مزاددهای حاصله از صادرات منابع طبیعی زندگی می کنند. (مور، ۲۰۰۷: ۱۶-۱۲)

در این بخش آنچه این تحقیق بر روی آن تمرکز دارد، دولت هایی هستند که با در اختیار داشتن یک منبع طبیعی و درآمد های بادآورده ناشی از آن، تکیه چندانی به درآمدهای مالیاتی ندارند و نظام های مالیاتی آنها نظام های کارآمدی نیست و همان گونه که پیش تر گفته شد، چنین دولتهایی که بر یک منبع خارجی تکیه دارند، دولت رانتیر هستند.

آیتم معتقد است چنین دولتی دیگر شکلی از دولت مدرن را گسترش نمی دهد و از این روست که دچار عقب ماندگی می شود. فقدان ضرورت بهره برداری از مالیات منجر به ایجاد حق کمتری برای شهروندان می شود، عدم توانایی برای بسیج مالیات ها به معنای عدم صلاحیت و عدم مشروعیت است. این همچنین منجر به

---

<sup>۱</sup>. دموکراسی نمایندگی به این معناست که تصمیمات مربوط به جامعه نه توسط اعضای آن، بلکه توسط افراد خاصی که مردم انتخاب کرده اند، گرفته می شود.